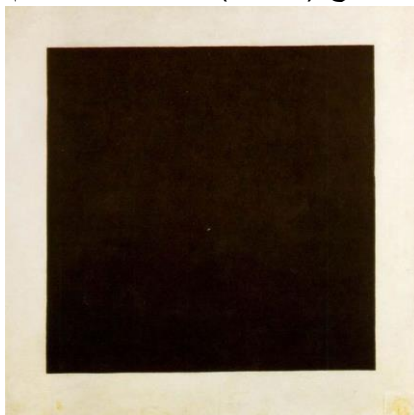


## از آن غارت و کشتار نیز بگو

هفته‌های گذشته چارگوشه‌های سیاه، بسیاری از صفحه‌های فضای مجازی انباشتند. اما چارگوشه‌ی سیاه به چه معناست؟ معنای آن خواهی دانست اگر تاریخ‌اش را بدانی، بدانی که این سطح سیاه چه می‌پوشاند، درباره‌ی چه می‌گوید و می‌خواهد بگوید، جای چه چیز می‌گیرد، چه پنهان می‌کند، در به چه جایی باز می‌کند که بسته (یا باز) بوده، و اگر بدانی چه واژه‌هایی در خود پنهان دارد؛ خوانا و ناخوانا که انباشته شده‌اند روی هم. گاه چون پرده‌ای که فرومی‌افتد. یا آغازی: لوحی سپید.

همه‌ی این چارگوشه‌ها از درون هزارتو می‌کشاندند به تداعی. هنرمند امریکایی **الِن کالاکر** از سال ۱۹۹۸ نگاره‌هایی آفریده با نام **نگاره‌های سیاه** که از دور به چارگوشه‌ی سیاه می‌مانند، اما از نزدیک و زیر نور لایه‌های گوناگون آن نمایان می‌شود. کارها از کائوچو، پلاستیک، لعاب، کاغذ بریده با شکل‌های هندسی‌اند و تکه‌های کلاژ شده از گاه‌نامه‌ها و غیره. سال ۲۰۱۶ چهار نگاره آفرید با نام **سیاهان به ستیز در غار**. عنوان کارش اشاره دارد به مشهورترین چارگوشه‌ی سیاه در تاریخ هنر، آفریده‌ی **کازیمیر ماله‌ویچ** (۱۹۱۵). این نگاره در غرب شد همان اسطوره‌ی لوح سپید، گام نخست گذار از هنر فیگوراتیو به انتزاع (آبستره). نقطه صفر، گام آغازین.



کازیمیر ماله‌ویچ، چارگوشه سیاه

در صدمین سال آفرینش این نگاره، هنرشناسان روسی به یاری میکروسکوپ دست‌نوشته در زیر لایه‌ی رنگ سیاه یافتند که الِن کالاکر آن را برای عنوان کارش گزید. چند واژه‌ی ماله‌ویچ خود اشاره داشت به چارگوشه‌ی کهن‌تر از طنزنویس فرانسوی **آلفونس آلیاس** از ۱۸۹۷ با همان عنوان. الِن کالاکر با این کار می‌خواهد تاکید کند که هنر انتزاعی غرب بخشی جداناپذیر از نظم نژادپرستانه است.



سیاهان به ستیز در غار

این کار شکلی از دست گذاشتن بر عرصه‌ای و از آن خود کردن است. کالاگر، خانم رنگین‌پوست، خود می‌افزاید به اشاراتِ شکل‌کواری مردان هنرمند سپید پوست. تاریخ هنر می‌کشاند به درون کارِ خود و لایه‌های بیش‌تری از رنگ سیاه می‌گذارد در نگاره‌هاش. نه در پوشاندنِ تاریخ. درد که درست برای افشای آن. مالهویچ هم چندین چارگوشه‌ی سیاه آفریده است. این سایه می‌اندازد بر ایده‌ای که سطحِ سیاه، نقطه آغاز هنر انتزاعی می‌داند. کدام یک از این‌ها نخستین است؟ تاریخ دقیق. تولد هنر انتزاعی کجا می‌توان یافت؟ این پرسش زمانی مشکل‌تر می‌شود که بدانیم مالهویچ عادت داشت به عمد تاریخ نادرست بگذارد زیر کار. آخرین چارگوشه‌ی سیاه تاریخ ۱۹۱۳ دارد، گرچه به احتمال زیاد در دهه‌ی بیست یا سی سده‌ی گذشته ساخته شده است. مالهویچ با این کار مقاومت کرده در برابر شفافیتِ تاریخ‌گذاری و آزادی. خود جسته در ناممکن بودن تاریخ. دقیق. شاید هم می‌خواسته چیزی بگوید درباره‌ی اسطوره‌ی لوحِ سپید.

در نگاره‌های سیاه کالاگر می‌توان رابطه‌ای جست با مفهوم 'کدر'. کدر بودن، در تضاد با شفافیت، به مثابه‌ی حق است. شفافیت مفهوم اساسی روشنگری است، زیرا برای شناخت باید جست و پژوهید و شکافت. آنچه نمی‌شناسیم نام 'دیگر' می‌گیرد. از دیگری شفافیت هویت می‌طلبیم، وگرنه او را گونه‌ای تهدید خواهیم دانست. (این عادتِ سنگواره شده‌ی سپیدپوستان است که از رنگین‌پوستان بپرسند: از کجا آمده‌اید؟). تسلیم نشدن به چنین پرسشی حق است تا مرز میان خود و دیگری وجود نداشته باشد، کدر شود. برای درکِ دیگری – و پذیرش او – خود قیاس می‌کنیم با آنچه می‌شناسیم و از این رو دآوری می‌کنیم و محدودش می‌کنیم در دایره‌ی دانسته‌های خود. مقایسه تنها زمانی ممکن است که فرد را طبقه‌بندی کرده و قابل اندازه‌گیری‌ش کنیم.

چارگوشه‌های بی‌شمار سیاه در خیلی کارها می‌توان دید. کاری ویدیویی هست از دورین فان میلز (هلندی) با نام *Beyond the Nation State I Want to Dream* از سال ۲۰۱۸. چارگوشه‌های سیاه چون گرداب در فضا چرخ می‌زنند. بر زمینه‌ای تیره تصویر روایت‌های رسمی از دوران استعمار هلند و دولت نازی با کمپیوتر بازسازی و در هم ریخته می‌شود. تصویرهای آشنای آسپاداها، لاله و کشتی. کمپانی هند شرقی (VOC) به خط‌های سرخ بر زمینه‌ی سیاه می‌بینیم، فیگورها شفاف‌اند و آرام در هم می‌روند. تالار پیمان استعماری برلین می‌بینیم که در آن سران کشورهای غربی به سال ۱۸۸۴ با هم نشستند و قاره‌ی افریقا میان خود قسمت کردند. همه‌ی این‌ها نشان‌گذاری شده با خط‌های مستقیم. صدای زن گوینده می‌شنویم: 'تلاش‌های بی‌هوده برای به چُرت رفتن از روایتِ ملی که در آن تاریخ پیشرفتِ خطی دارد. روایتی که ما همه از جایی به جای بهتری می‌رویم.'



می‌خواهم بیرون از حکومت ملی رویا ببینم

در این ویدیو همه‌ی معصومیتِ شکوه و عظمتِ هلند، رواداری، روحیه‌ی یاری رسان و نیک، صندلی کودک بر ترک دوچرخه، دریانوردان قوی و صادق در هم شکسته و به زیر کشیده می‌شود. به فکر واداشته می‌شوی تا از خود پیرسی با حذف‌های آگاهانه و تصویر ناسیونالیستی که تاریخ رسمی به دست می‌دهد، چگونه شست و شوی مغزی می‌شویم. آنچه در کتاب‌های درسی و متن‌ها بیان می‌شود، دروغ است. به تضادها در بیرون از مرزها اشاره نمی‌شود تا دروغ آسان‌تر به خورد داده شود. این‌جاست که چارگوشه‌های سیاه ظاهر می‌شود. هزاران شکل در حرکت که اشاره

دارد به انبوه جمعیت و مردانی می‌بینیم ایستاده پشت میز پایه بلند به نوشیدن. خطی که نشان‌شان می‌دهد، بی ثبات است. اینان چارگوشه‌های لرزان‌اند. صدا: 'هر چه بیشتر انگیزه‌ی دیدن خشونتِ نوش‌خواری سران - دیوهای دو رو-، در من قوی شود، نیاز به نابینا ماندن در من فزونی می‌گیرد!'

این ویدیو به درونِ جان نفوذ می‌کند تا پشت این رفاهِ خانواده‌های خوشبخت و رشد اقتصادی نشان دهد. چنان نفوذ می‌کند که این‌جایی هم نباشی، می‌خواهی زمین دهان باز کند و فرو روی در آن.

تاریخ استعمار در غرب به گونه‌ی دیگری آموزش داده می‌شود. ارگان‌های یاری به کشورهای در حال رشد مثل حمله‌ی مسلحانه است با اندک تفاوت که تجاوزگران خشن، تکه نانی پرت می‌کنند جلوی آن‌ها که غارت‌شان کرده‌اند. در روایت از استعمار، بخش. حمله و کشتار و غارت را بریده و حذف کرده‌اند. انگار غرب در قاره‌های دیگر قاصدِ نیکی، پول و تمدن بوده است. چشم می‌بندند به آن بخش. غارت‌ها که کرده‌اند. همه‌ی روایت باید بی چون و چرا بازتاب داده شود. و این خطرناک است. با بیان کامل روایت، نظم به هم خواهد ریخت. جهانِ غرب بنا شده بر غارت و کشتار. همه‌چیزی که به آن افتخار می‌کنند بر پایه‌ی کشتار و غارت قرار دارد. تمدنِ اروپا و پیشرفت‌های فناوری بدون حمله و غارت خشونت‌بار امکان‌پذیر نبود.

چه‌گونه می‌توان این دیدگاه دگرگون کرد؟  
آخرین جمله‌های ویدیو گویاست:

'This is a farewell to but,  
to maybe not,  
to unfeasible,  
impractical,  
non-viable and unworkable.  
A farewell to logical,  
to rational,  
to well meaning and well meant.'

وداع با 'اما'. از این بهتر نمی‌شود.  
کازیمیر ماله‌ویچ بی‌هوده نگفته بود (نقل به معنا): 'نگارگری دیگر تقلید از طبیعت و آینه گرفتن در برابر آن نیست.  
چارگوشه سیاه، آینه شکسته و گرد و غبار و تار عنکبوت پشت آن می‌نماید!'

نام‌ها:

Ellen Gallagher  
Black Paintings  
Negroes Battling in a Cave  
Kazimir Malevitsj  
Alphonse Allais  
Dorine van Meels

کوشیار پارسی - جولای ۲۰۲۰